

## نگاه

## پایانی با بوی محبوبه شب

### ابراهیم‌عمران

با پایان مینی‌سریال «در انتهای شب» که به قولی «یکی زاید و لطفعلی‌خان باشد»، میزان رضایت‌مندی مخاطبان هم فراتر از حد معمول بود. از همان ابتدای کار مشخص بود که نویسدگان اثر، با توجه به جو موجود، آنچه را در چنته دارند عرضه خواهند کرد؛ از جزئی‌ترین دیالوگ‌ها تا تأثیرگذارترین آن. حتی آن حرکات مزورن در تخت بیمارستان و آهنگ هندی و رقص دهه‌شصتی با همه ممیزی‌های موجود، نشان از شناخت درست طبقه روزه‌زوال متوسط داشت که در همین ستون و طی دو یادداشت اشاره شد و دوستان دیگر نیز همگی بر این نگره اثربخش در نوشته‌هایشان تأکید داشتند. آنچه اما پایان خوشی بر سکانس‌های واپسین ترسیم کرد، معنای رخداد طلاق و دوری‌جستن احتمالی از پیامدهای مغرب آن بود که زیرپوستی به تصویر درآمد. اصولا جدایی زوجین در ایران و از اولین طلاق‌ها، واکنش‌های عموماً منفی و بالمال ناخردانه به دنبال داشته و دارد. حتی در همین اثر نیز در سکانس‌هایی اوج این نفرت و کینه‌جویی رخ می‌نمایند. ولی به طور قابل تحسینی از میزان عصیبت‌های زوجین کاسته می‌شود که برابری معنایی خاصی با جهان واقعیت دارد. این نشانه‌گذاری‌ها و درواقع تشابهات بیرونی، شاید در معنای نهادینه‌شده ذهن، امری نامطلوب تلقی شود ولی در جهان واقعی گریزی از آن نیست. بهنام و ماهی، با وجود دارا، دارایی کل از جامعه‌ها نشان دادند. تیزبینی و زیرکی سازندگان نیز وجود زوج با فرزند بود، وگرنه با وجود نگاه‌های ناصواب و ذهن‌هایی که برداشت‌های مصادره به مطلوب دارند، ابتدا و میانه و پایان‌بندی آن سخت می‌شد. طلاق را در پایان، پایان دنیا معنا ندادند. تقدسی نیز بر آن نبخشیدند؛ به‌سان دوستی‌های بعضا فانتزی و باورناپذیر بعد از جدایی! آنچه مراد سازندگان بود، حاصل شد. انتهای طلاق لاجرم بی‌خبرماندن از هم نیست؛ مخرج‌مشترکی به نام فرزند می‌تواند دنیای جدیدی ایجاد کند. شاید هم زوجی دوباره در نیمکتی که عاشقانه‌ها گویند به سپیدی برف، نویسندگان اثر هدف‌شان قشر متوسط بود. و شاید به تاسی از این قشر سایرین نیز قبله رفتاری خویش را پیدا کنند. رفتارهای هیستریک و گاها از سر بغض ماهی و بهنام نیز در دایره‌ای می‌کنجد که پایانی بر آن نیست. تصمیم به جدایی شاید آخرین مرحله از به عصیان رسیدن زوجین باشد؛ فالخ از اینکه در این «امتحان» و شاید آزمون بخت خویش، همیشه به کامل مطلوب نخواهند رسید. طرفه آنکه حالیه طلاق بیشتر شاید روحی باشد در میزان پرورنده‌های موجود. پس از مبادرت به آن، همواره زندگی مطلوب میسور نمی‌شود. شاید آسایشی حاصل شود از وضع آشفته قبلی، ولی لزوماً به معنای پایان آر‌کارهای موجود نیست. آنچه این مینی‌سریال بی‌حشو و اضافه را دوست‌داشتنی‌تر کرد، باورمندی زوجین به نفع‌های خویشتن بود. اینکه همدیگر را نه سفید و نه سیاه، بلکه خاکستری‌نظاره کنند. روزی عاشق و دلداه هم بودند. خط‌خطایی به روزها و شب‌های با هم‌بودن نکشند. با دیدی وسیع به هم بنگرند که اگر این‌گونه نباشد، در حقیقت موجودیت رفتاری گذشته خود را پایمال خواهند کرد. از یافت و دوستی و «چهره هنرمند در جوانی» تا «محبوبه‌شی» که می‌تواند خوشبو و درعین‌حال سمی باشد، به فرجامی باورپذیر برسد، لب‌خندی از رضایت به هم زنده و دل‌دلدادگی‌ها را قوام بخشد. شاید زندگی همان لب‌خندی باشد که ماهی و بهنام در تنگ هم‌آغوشی‌های حسرت‌دار و نداشته، به هم تشار کردند. در انتهایی که مانند کارهای مرسوم، به‌دست‌آوردن دل مخاطب را سرلوحه قرار نداد. پیاپیش انتهای شی‌ی بود که چشم‌مان پل نیومن را ندعای می‌کرد در بیلباردبازی که به‌نام عاشق دل‌خسته‌شود. قاب‌هایی بود که پدر ماهی با سیگاری در دست و لیوانی در میز، نظاره‌گرش بود. پایانی بود که برای ثریا هیچ مردی بهنام نمی‌شد. پایانی بود که سرک همکار ماهی هم آن را مکدر نکرد. انگار این شب را پایانی نبود. درعین تیرگی، روشنایی در آن موج می‌زد و چه امری برتر از اینکه همه پلشتی‌ها را مخاطب ببیند و از فرجام آن هم رضایت داشته باشد. پایانی به رانندگی و دست‌فرمانی بهنام که قرار بود حرفی نزند تا ماهی زندگی‌اش در تنگی دیگر قرار نگیرد. تا مه‌ری بزرگ از رضامندی سابق دلداه‌اش نشود. بر این پایان درود و احسنت که آیدآ پناهنده و ارسلان امیری آفریدند.

## خبر

## نمایش و نقد فیلم‌های کوتاه «سیمرغ» در ترکیه

بسته فیلم‌های کوتاه «سیمرغ» برای استادان دانشگاه‌های شهر ازمیر ترکیه ارکان و سپس گفت‌وگوی آنلاین با کارگردانان بسته برگزار شد. جلسه نمایش و گفت‌وگو با کارگردان‌های مجموعه فیلم‌های کوتاه «سیمرغ» شامل چهار فیلم «ارفاق»، «شریف»، «دآبر» و «برنو» در ترکیه برگزار شد. فیلم‌های کوتاه بسته «سیمرغ» برای استادان دانشگاه‌های شهر ازمیر ترکیه ارکان شد و سپس کارگردان‌های بسته سیمرغ به صورت آنلاین، میهمان برنامه نقد و بررسی این فیلم‌ها شدند و استادان دانشگاه‌های شهر ازمیر پای صحبت‌های سعید نجاتی، محمد علیزاده‌فرد، محمد ثریا و رضا نجاتی درباره ساخت و چالش‌های فیلم‌هایشان نشستند. خانه سینمای ازمیر، پارادوکس پروداکشن کمپانی به مدیریت تحسین ایشیلین حامی این برنامه بودند. یکی از اهداف اصلی خانه سینمای ازمیر، ساخت پروژه‌های مشترک سینمایی با ایران است. پیش از این نیز، سعید نجاتی فیلم کوتاه «باران آهسته می‌بارد» را به عنوان اولین فیلم مشترک انجمن سینمای جوانان ایران و ترکیه ساخته است. از دیگر اهداف خانه سینمای ازمیر، حمایت از تولید فیلم‌های کوتاه در ازمیر و کمک به شکل‌گیری فرهنگ مخاطب است و به همین منظور در آخرین دوشنبه هر ماه با حضور استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان فیلم‌های کوتاهی از کشورهای مختلف نمایش داده می‌شود و سپس از آن نیز با کارگردان‌ها گفت‌ووسی آنلاین انجام می‌شود.

بسته فیلم کوتاه «سیمرغ» با حمایت انجمن سینمای جوانان ایران و گروه سینمایی «هنر و تجربه» ارکان شده است و فیلم‌ها آن شامل «ارفاق» به کارگردانی رضا نجاتی، «شریف» به کارگردانی محمد علیزاده‌فرد، «دآبر» به کارگردانی سعید نجاتی و فیلم کوتاه «برنو» به کارگردانی محمد ثریا است. فیلم کوتاه «دآبر» در سی‌وهشتمین دوره، فیلم کوتاه «ارفاق» در چهلمین دوره، فیلم کوتاه «برنو» در چهل‌ویکمین دوره و فیلم کوتاه «شریف» در چهل‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بخش کوتاه را آن خود کرده‌اند. «سیمرغ» متفاوت‌ترین و ویژه‌ترین بسته فیلم کوتاهی است که در گروه سینمایی «هنر و تجربه» ارکان شده است. چهار فیلم کوتاه که طی چندین سال اخیر جایزه «سیمرغ فجر» را به خود اختصاص داده‌اند، به همراه ویدئوهای پشت صحنه فیلم‌ها در این بسته تماشایی شده است و روی قاب نقره‌ای سینما می‌رود.



## گفت‌وگو با علی کریم درباره بازنگری در موضوعات مهم سینمای ایران در ماه‌های پیش رو

# حذف پروانه ساخت مهم‌ترین خواسته سینماگران است



**بهناز شیربانی**

**❗ بعد از انتخابات دولت چهاردهم، گمانه‌زنی‌هایی درباره اینکه بهتر است چه کسی سکان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در دست بگیرد، وجود دارد.** در این سمدت اظهارنظرهایی درباره بحران‌های موجود در سینمای ایران از سوی کارشناسان و سینماگران مطرح شده که به عنوان اولویت‌های رسیدگی در دولت جدید به آن اشاره می‌شود.
نماشا در این مینته چیست؟
همان‌طوره که اشاره کردید، بحران‌هایی در حوزه فرهنگ و هنر وجود دارد. در دو سه سال اخیر بخش زیادی از همکاران ما نتوانستند کار کنند. برای مثال قراردادهایی که بنیاد سینمایی فارابی برای حمایت با آنها داشت، با آمدن مدیریت جدید در دولت سیزدهم یک‌طرفه فسخ شدند و گروهی هم متأسفانه مجبور به مهاجرت شدند.
اینکه مهاجرت امر خوب یا بد برای فردی است که در حوزه فرهنگ کار می‌کند، مسئله دیگری است که نیاز به گفت‌وگویی مجزا دارد. اما به نظر مهم‌ترین اتفاق پیش‌رو، انتخاب وزیر فرهنگ است. باور شخصی من این است که هم در حوزه وزارت و هم مدیریت سینما بهتر است از سینماگران استفاده نشود. گاهی فکر می‌کنیم اینکه صرف هنرمندبودن برای مدیریت این حوزه کافی است، اما این نتیجه خوبی ندارد.
به استنادها در دهه ۶۰ نگاه نکنیم، چراکه آن زمان سینما منزوی‌تر و کوچک‌تر بود و امروز ما با چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستیم و حضور یک سینماگر خودش باعث اختلاف‌ها و انشقاق سینماگران و صنف می‌شود. تصور می‌کنم بیش از هر چیز نیاز به وزیری داریم که توانایی گفت‌وگو با سایر وزارتخانه‌ها و نهادهای حکمرانی را داشته باشد. ما در حال حاضر نیاز به یک مدیر سینمایی داریم که قدرت ایستادگی پای نیازهای جدی سینمای ایران را داشته باشد و قطعا به حوزه فرهنگ و هنر آگاهی داشته باشد. آگاهی‌داشتن به این معنی نیست که خود فرد، لزوماً سینماگر یا هنرمند باشد.

از نظر من مهم‌ترین چیزی که سینمای ایران به آن نیاز دارد که از فضای حال‌حاضر بیرون بیاید، رویکرد تسهیل‌گری است و خداحافظی با مملکتی با مدیریت فرهنگی کنترل‌گر است. بعد از ۴۵ سال مدیریت فرهنگی دیگر وقت آن رسیده تا پروانه ساخت حذف شود. سینماگران افراد بالغی هستند و نیاز به قیم ندارند. خود می‌دانند چه گویند و چه بسازند. در بعضی مواقع قدرت پیشگویانه در اعلام معضلات اجتماعی دارند و برای تحقق و استفاده درست از این ویژگی‌های فرهنگی همکاران ما، حذف پروانه ساخت و جایگزینی رده‌بندی سنی به جای پروانه نمایش بهترین گزینه است. باورم این است که بسیاری از خواسته‌ها و اعتراضات جامعه منکثر ام، اگر در قالب یک اثر سینمایی روی پرده سینما نقش ببندد، دیگر در کف خیابان شاهد اعتراضات نخواهیم بود یا این بیرون‌ریزی‌ها به حداقل می‌رسد. اصلا کار سینما همین است‌ها که با ایجاد همدلی با مخاطب مأمنی باشد برای شنیدن درد و مسائل اجتماعی خودش و پرانومنی‌ش تا به‌امروز این استراتژی به دلیل نبود درک درست وجود نداشته یا با نگاه بدبینانه شاید به عمد ترجیح داده شده که به سینما با نگاه امنیتی نگاه شود.

**❗ فکر می‌کنم در چند هفته اخیر این خواسته پرتکرار سینماگران بوده است.**

در ابتدا خواسته سنگینی به نظر می‌رسد. اما مدل‌های دیگری از این اتفاق را در سینمای آمریکا هم شاهد بودیم. فکر می‌کنم در سال ۱۹۶۸ پس از سال‌ها سانسور به شکلی که در سینمای آمریکا رواج داشته، تبدیل می‌شود به شورایی که فیلم‌ها را به لحاظ محتوایی رده‌بندی می‌کنند و البته با کمک و حمایت قوه قضائیه آمریکا و ذیل اصل آزادی بیان؛ البته اگر اشتباه نکم، این اتفاق تأثیر بزرگی بر سینمای آمریکا می‌گذارد. شاید برای گروهی عجیب باشد سینمایی که سینماگران بزرگ‌ترین بازار جهانی را دارد، تا سال‌ها دچار سانسور بوده است. این رده‌بندی محتوایی فیلم‌ها در دولت چهاردهم پشت میز ریاست می‌نشیند، مواردی را در دستور کارش قرار بدهد. قطع‌حفا پروانه ساخت و جایگزینی رده‌بندی با پروانه نمایش مهم‌ترین خواسته سینماگران است. جایگزینی رده‌بندی محتوایی فیلم‌ها با پروانه نمایش دیر یا زود باید اتفاق بیفتد و می‌دانم در مدیریت‌های مختلف هم صحبتش بوده. اگر اشتباه نکم در دوران آقای سیف‌الله داد هم به سراغش رفتم اما به دلیل نظر‌های غلط صنفی و مدیریتی اجرائی نشد. این تغییر تأثیرگذار نیاز به یک پشتوانه تحقیقاتی و زیرساختی دارد که ما در شورای راهبردی که در سال ۱۴۰۱ برای بیرون‌رفت



## گفت‌وگو با علی کریم درباره بازنگری در موضوعات مهم سینمای ایران در ماه‌های پیش رو

# حذف پروانه ساخت مهم‌ترین خواسته سینماگران است

**علی کریم، فیلم‌ساز خوش‌قریحه‌ای است. او را پیش‌تر با ساخت دو فیلم «جاله» که تنها نماینده سینمای ایران در جشنواره ونیز در سال ۱۳۸۸ بود و «من از سپیده صبح بیزارم» می‌شناسیم؛ فیلمی که نامزد جایزه خلایقیت و استعداد درخشان در جشن منتقدان سینمایی ایران شد. علی کریم از جمله فیلم‌سازان جوانی است که معتقد است مدیریت فرهنگی در دولت چهاردهم با مواجع بسیاری روبه‌رو خواهد بود. اما با شناخت از شرایط اهالی سینما و هر آن چیزی که کار را برای سینماگران سخت‌تر کرده است، می‌توان همدلی خوبی میان صنف مختلف ایجاد کرد. در گفت‌وگوی پیش‌رو با علی کریم هم‌صحت‌شدیم و نقطه‌نظرات او را به‌عنوان یکی از سینماگران ایرانی درباره چالش‌های سینمای ایران پرسیدیم و نگاه او درباره بیرون‌رفت از این موانع را جویا شدیم.**

از مشکلات موجود در سینما به همت آقای سیدضیا هاشمی در جامعه صنفی تشکیل شد، روی آن کار کردیم و تصمیم داشتیم که با مدیریت وقت هم درباره‌اش صحبت کنیم که متأسفانه محقق نشد. معتقدم در دولت اول و دوم آقای روحانی اتفاق‌های ویژه‌ای برای سینمای ایران افتاد که متأسفانه هم از طرف رقبای و هم از طرف خود سینماگران و صنف آماج حملات مختلفی قرار گرفت و درک نشد و آن ظرفیت‌ها متأسفانه از دست رفت. از مهم‌ترین‌های آنها ایده سینمای هنر و تجربه و جدایی جشنواره بین‌المللی بود که با دولت سیزدهم از بین رفت.

سینمای هنر و تجربه فرصتی هم‌تراز دیگر کشورها بود و زمینه‌ای مناسب که به نمایش فیلم‌های فرهنگی و هنری اهدا شد؛ زمینه‌ای که سینمای فرهنگی بدون اینکه جای سینمای هنر و تجربه اصلی را تنگ کند، به حیات خودش ادامه می‌داد و متأسفانه با تغییر دولت آن ساختارها از دست رفت و با مدیریت درست و ادامه همان مسیر می‌توانست کمبودها و مشکلات برطرف شود و امروز با حمایت مدیر سینمایی صاحب یک سینمای مرکزی چندساله‌نه باشیم.

متأسفانه با روی کار آمدن دولت‌های جدید انکار انقلابی رخ می‌دهد و تمام مسائل ارزشمندی که در دولت قبلی به وجود آورده شده، از بین می‌رود. جشنواره بین‌المللی در چند سال استقلال، هویت ارزش جهانی به دست آورد که متأسفانه این فرصت از دست رفت. به سینمای هنر و تجربه بی‌توجهی شد و نگاهان در اواخر دولت سیزدهم این ایده مطرح شد که باید یک مجموعه سینمایی به اسم «گروه سینمایی فرهنگ» راه‌اندازی شود که درواقع همان سینمای هنر و تجربه حالا با نام دیگری بود. همین نشان می‌دهد در این سه سال چقدر غیرمتصفانه یا خصمانه به دستاوردهای بزرگ سینمایی دولت یازدهم و دوازدهم حمله شد و آنها را از بین برد. شاید این هم یکی از معضلاتی است که با حضور مدیریت سینمایی از اهالی سینما به وجود می‌آید. زیرا اهالی سینما قدرت اجماع‌سازی ندارند و نماینده هر گروهی که پشت میز مدیریت بنشیند، گروه‌های دیگر را در همراهی از دست خواهد داد و از روز اول این شکاف به خود بدنه سینما و فرهنگ آسیب می‌رساند.

**❗ برخی کارشناسان معتقدند در ادامه بایدآ امیدوار به بهبود جریان سینمای اجتماعی باشیم که الان در شرایط خوبی نیست. نظر شما چیست؟**

از شهریور ۱۴۰۱ تا امروز اتفاق‌های زیادی را تجربه کردیم. سینمای اجتماعی یا سینمای فرهنگی منزوی شد؛ به این دلیل که از دو طرف تحت فشار قرار گرفت. ابتدا از سمت مدیران فرهنگی دولت سیزدهم و حالا با حذف‌ها، ممنوع‌الکاری‌ها یا قهرهای خود سینماگران و یا حتی شرایط سخت به‌وجودآمده پروانه ساخت با شعارهای ارتقایی کیفی و از سویی دیگر، جشنواره‌های خارج از کشور بود که به دنبال فیلم‌های متفاوتی از سینمای ایران بودند و هستند. درواقع در سیاست‌گذاری آنها یک تغییر الگو ایجاد شد که به‌اصطلاح به آنها فیلم‌های زیرزمینی می‌گویند. در صورتی که فیلم‌سازانی هستند که مستقل بدون حمایت دولت فیلم می‌سازند، ولی در این تغییر الگو در سید فیلم‌سازان دستوری قرار گرفته‌اند. درواقع سینمای فرهنگی و تحیف ایران بین این دو فضا قرار گرفت و دچار سرخوردگی و انزوا می‌فراوان شد و امروز جشنواره‌ها و بازار خارجی تصور و توقع دیگری از سینمای داخل ایران دارند. همین فضا باعث شد که تولید فیلم‌های فرهنگی محدود شود. حالا حتی اگر فیلمی هم تولید شده شانس کمتری برای حضور در ارکان داخلی و فستیوال‌های خارجی دارد و می‌فکر می‌کنم که این انزوا به‌شدت به رشد سینمای فرهنگی ما لطمه زده است. در اواسط دهه ۶۰ سینمای ایران به کمک چند فیلم توانست در خارج از ایران بدرخشد. در زمانه‌ای که کشور عزیزمان ایران با آن پشتوانه غنی از فرهنگ و ادبیات و تمام آنچه امروز به آن می‌بالیم غیرمتصفانه توسط فضا‌سازی‌های خارج از ایران منزوی شده بود، اما به یکباره توسط سینما دوباره درخشید و سینما به یک حرکت استراتژیک فرهنگی و تأثیرگذار تبدیل شد و نام ایران در جشنواره‌های خارجی می‌درخشید و نگاه دنیا نسبت به ایران تغییر کرد. کشوری که جهان اصرار داشت یک تصویر عجیب‌وغریب از آن ارائه بدهد، دوباره به کمک فیلم‌سازان که نگاه ویژه‌ای در سینما داشتند جان گرفت و از آن تصویر برساخته فاصله گرفت. فکر می‌کنم مدیران فرهنگی و سایر دستگاہ‌ها هیچ‌وقت قدر این بخش از سینمای فرهنگی و مستقل ایران را ندانستند و به آن ناخنند. سینمایی که فردمحور است و تمام

### خبر برگزیده

### دونده در سینماک خانه سینما

هشتمین جلسه سینماک خانه سینما به مناسبت چهلمین سال ساخت و نمایش فیلم «دونده» ساخته امیر نادری، شاهد برنامه‌ای ویژه خواهد بود. در این برنامه نسخه‌ای مرمت‌شده از فیلم «دونده» به کارگردانی امیر نادری به نمایش درخواهد آمد. پس از آن رضا صائمی و مازیسار فکری‌ارشاد درباره فیلم و جایگاه آن در تاریخ سینمای ایران (به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب) سخن خواهند گفت. سپس گفت‌وگویی ویدئویی میان امیر نادری و رامین بحرانی درباره خاطرات نادری از زمان تولید فیلم و تأثیر دونده بر فیلم‌سازان ایرانی نسل‌های بعدی نمایش داده می‌شود. این گفت‌وگو به زبان انگلیسی انجام شده و توسط سینماک خانه سینما به شکل اختصاصی ترجمه و زیرنویس شده است. هشتمین برنامه سینماک خانه سینما، روز چهارشنبه سوم مرداد ساعت ۱۷ در سالن زنده‌یاد سیف‌الله داد خانه سینما برگزار خواهد شد.

### گزارش

### سال جهش تولید واردات خودروی دست دوم؟

۸-چرا در آستانه ماه پنجم سال «جهش تولید با مشارکت مردم، نه تنها خصوصی‌سازی در راستای رونق و جهش تولید انجام نشده بلکه قرار است با مصوبه اخیر واردات خودروهای کارکرده، تولید خارجی رونق بگیرد؟

۹-چند روز پیش‌تر، عده‌ای در برخی رسانه‌ها مدعی شده بودند که «در روزهای پایانی عمر دولت سیزدهم، وزیر صمت تصمیم گرفته است تا در اقدامی عجولانه برای واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی آستین همت بالا بزند و می‌خواهد در دقیقه ۹۰، برای دولت چهاردهم هزینه‌تراشی کند». آنان که موضوع خصوصی‌سازی در «دقیقه نود» را مطرح کردند درباره تصویب «دقیقه نودی» واردات خودروهای کارکرده به ضرر جهش تولید داخلی و به سود تولید خارجی‌ها، نظری، توصیه‌ای، پیشنهاد یا دغدغه‌ای ندارند!؟

۱۰-ماه دسته، برای خصوصی‌سازی مورد تأکید مکرر معظم رهبری نیز قابل به تعویق و تعلیق هستند با آنکه می‌دانند هر ساعت ۱۰ میلیارد تومان، هر دقیقه ۱۶۶ میلیون و ۶۶۶ هزار تومان و هر ثانیه دو میلیون و ۷۷۷ هزار تومان، خسارت خودروی سراسری می‌تواند، و تعلل حتی برای یک ثانیه هم به ضرر مردم در این باره جایز نیست، اما با این حال توصیه کردند «بهتر است تا وزیر صمت، هفته‌های باقی‌مانده از عمر وزارتش را در خیابان سمیه سپری کند و تصمیم‌گیری در این باره را بر سر عهده وزیر بعدی بگذارد» اما درباره تخریب اهداف شعار سال و مانع‌تراشی در مسیر جهش تولید با واردات خودروهای خارجی دست دوم، سکوت اختیار کرده‌اند، آیا توصیه‌های دراین باره ندارند!؟

۱۱-مایه تعجب است که با وجود تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری

در سالیان گذشته مبنی بر ضرورت تسریع در فرایند خصوصی‌سازی و علم به خسارت‌های فزاینده خودروسازان دولتی، عده‌ای به دنبال تعویق خصوصی‌سازی هستند اما گویا هیچ نگرانی از واردات خودروهای کارکرده ندارند!
۱۲-دولت سیزدهم به جای حرکت در جهت جهش تولید با واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی که کاملا قانونی است سباب واردات خودرو را به عنوان یک مطالبه مصوب کرد و به باور برخی ناظران، هدف از این وعده که نام مصوبه را به خود گرفته، افزایش انتظارات و پوست خریزه زیر پای دولت بعدی را به عبارتی دیگر، مین‌گذاری بر سر راه آن است. به نظر می‌رسد دولت چهاردهم باید هر چه سریع‌تر در برابر ایجاد این مطالبه وهمی و سیاسی، موضعی هوشمندانه و روشنگرانه اتخاذ کند تا برای دولت جدید، ایجاد تعهد نکند و افکار عمومی را در مقابل دولت چهاردهم قرار ندهد.